

## مقایسه خودتعیین‌گری در رابطه زناشویی، تعهد به همسر و رضایت زناشویی در زنان و مردان بدون و دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره

### Comparison of Self-Determination in Marital Relationship, Commitment to Spouse and Marital Satisfaction in Men and Women Without and With Marital Conflict Referring to Counseling Centers

**Dr. Seyyedeh Fatemeh Mousavi\***

Associate Professor of psychology, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran.

[f.mousavi@alzahra.ac.ir](mailto:f.mousavi@alzahra.ac.ir)

**Motahharez Abooe Mehrizi**

M. A. in clinical psychology, Humanities and Social Sciences Faculty, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

دکتر سیده فاطمه موسوی (نویسنده مسئول)

دانشیار روان‌شناسی پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

مطهره ابویی مهریزی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

#### Abstract

The purpose of this study was to compare self-determination in marital relationships, commitment to spouse, and marital satisfaction in married men and women without and with conflict referring to counseling centers. So, a sample of married men and women with conflict referred to counseling centers (85 people: 59 women and 25 men) and non-conflict married men and women (97 people: 56 women and 41 men) were participated voluntarily and completed the Basic Psychological Need Scale (BPNS) by Sheldon et al. (2001), Kansas Marital Satisfaction Scale by Schumm et al. (1983), Marital Commitment Scale by Adams & Jones (1997). The results of this study showed that the distress group in comparison with the non-conflicting people reported lower scores in autonomy, competence, relatedness, marital commitment, and marital satisfaction ( $p < .01$ ). The results also showed that men generally achieved higher scores in marital commitment and marital satisfaction than women ( $p < .01$ ). To test the interactional effect of gender and conflict, the results showed that women in the non-conflict group had higher scores of incompetency and relatedness ( $p < .05$ ). Unresolved conflicts in marital relationships decrease the couple's ability to self-determination in the relationship, decrease marital commitment, and marital satisfaction. Enriching couples' relationships by increasing self-determination in dyadic relationships lead to increased commitment and marital satisfaction.

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه خودتعیین‌گری در رابطه زناشویی، تعهد به همسر و رضایت زناشویی در متأهلین بدون و دارای تعارض مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره انجام شد. بدین منظور نمونه‌ای شامل زنان و مردان متأهل دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره (۸۵ نفر: ۵۹ زن و ۲۵ مرد) و زنان و مردان متأهل بدون تعارض زناشویی (۹۷ نفر: ۵۶ زن و ۴۱ مرد) به روش دردسترس و داوطلب برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند که به مقیاس‌های ارضای نیازهای اساسی در روابط شلدون و همکاران (۲۰۰۱)، رضایت زناشویی کانزاس شام و همکاران (۱۹۸۳) و مقیاس تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان داد گروه دارای تعارض، در مقایسه با گروه بدون تعارض نمرات پایین‌تری در خودمختاری، شایستگی، ارتباط، تعهد زناشویی و رضایت زناشویی گزارش نمودند ( $p < .01$ ). نتایج همچنین نشان داد مردان به طور کلی نسبت به زنان، نمرات بالاتری در تعهد زناشویی و رضایت از رابطه زناشویی کسب کردند ( $p < .01$ ). در بررسی اثر تعاملی تعارض و جنسیت، نتایج نشان داد که زنان گروه بدون تعارض نمرات بالاتری در شایستگی و ارتباط گزارش نمودند ( $p < .05$ ). وجود تعارضات حل نشده در روابط زناشویی موجب کاهش توانایی خودتعیین‌گری در رابطه شده، با کاهش تعهدات زناشویی، رضایت از رابطه را کاهش می‌دهد. از این رو، غنی‌سازی روابط زوجین با بالابردن توان خودتعیین‌گری در روابط زوجین، منجر به افزایش تعهد به رابطه و رضایت زناشویی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خودتعیین‌گری، تعهد، رضایت زناشویی.

**Keywords:** self-determination, commitment, marital satisfaction.

## مقدمه

تعارض در روابط زوجین، متشکل از رفتارهایی است که به ارتباطات خصومت‌آمیز، تنش‌زا، مخالفت‌آمیز و تضاد و احتمالاً تزلزل در روابط زناشویی منجر می‌شود (فروساکیس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). درد انباشته‌شده ناشی از تعاملات رفتاری منفی در همسران و عدم حل اختلافات زناشویی با پیامدهای فردی مخربی چون علائم افسردگی و اضطراب (داس، سیمپسون و کریستن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴)، اختلالات خوردن، وابستگی به الکل (فینچام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳)، پیامدهای خانوادگی چون ضعف والدگری، ضعف در سازگاری کودکان (بوهرلر و جرارد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲)، افزایش تعارضات والد-فرزندی و تعارضات بین فرزندان همراه است و می‌تواند زمینه‌ساز جدایی زوجین شده و احتمال وقوع طلاق را در همسران افزایش دهد (فینچام، ۲۰۰۳). پژوهش‌های سه دهه اخیر، تصویر تقریباً کامل و متمایزی از رفتارهای زوج‌های دارای تعارض و زوج‌های بدون تعارض ارائه نموده است (فینچام، ۲۰۰۳). همسران بدون تنش، ارتباطات موثرتری با یکدیگر برقرار و برای یکدیگر حمایت‌های عاطفی فراهم می‌کنند و تعارضات خود را به شیوه آرام، مثبت و سازنده مدیریت می‌نمایند، در حالی که افراد مطلقه، طی اختلافات زناشویی، سطوح پایینی از تعاملات سازنده‌ای را گزارش می‌کنند (فروساکیس، ۲۰۱۰)، زوج‌های آشفته بیشتر از این که بخواهند از طریق مذاکره تعارضات خود را حل کنند، تمایلات اجتنابی دارند (کار<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). گورمن<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) تعارضات زناشویی را ناشی از ناهماهنگی‌های زوجین در نوع نیازها و روش ارضای آن‌ها، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طرحواره‌های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی می‌داند. از میان عوامل مختلف مؤثر بر کیفیت تعاملات زناشویی، پژوهش‌ها حاکی از نقش سازنده فرد بر تنظیم روابط فیما بین است، موضوعی که بر «خود» به عنوان هسته مرکزی شخصیت برای کنترل نیازها و خواسته‌های درونی و بیرونی متمرکز است. این نظریه به نظریه خودتعیین‌گری<sup>۷</sup> شناخته شده است که بر «خود» به عنوان اصل کلیدی برای تنظیم رفتار تأکید دارد. خودتعیین‌گری در رابطه عاشقانه به مشارکت و درگیر شدن کامل «خود» در رابطه اشاره دارد، به جای این که فرد از فلسفه درگیر شدن در یک رابطه احساس گناه، اجبار یا ناآگاهی کند (نی، لونسبری، کانولو و پاتریک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵). اساس نظریه خودتعیین‌گری نیازهای بنیادین روان‌شناختی چون نیاز به خودمختاری<sup>۹</sup> (نیاز برای خودپیروی و داشتن احساس انتخاب در شروع، نگهداری و تنظیم فعالیت‌ها)، شایسته‌بودن<sup>۱۰</sup> (شایستگی برای دنبال کردن چالش‌های بهینه و به خرج دادن تلاش لازم برای تسلط یافتن بر آن‌ها) و ارتباط<sup>۱۱</sup> با دیگران (احساس اطمینان از ارتباط با دیگران تجربه خود به عنوان فردی قابل و شایسته عشق و احترام) است، ارضای این نیازها انرژی لازم برای کمک به درگیری فعال با محیط، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم را در فرد فراهم می‌کند و برای خودتنظیمی افراد ضروری هستند (کریرا<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۲). خودتعیین‌گری با تأکید بر تمایلات و ظرفیت‌های درونی انسان، انگیزش فرد را در پیش‌بینی بهزیستی، حل مسئله شناختی، یادگیری عمیق و عملکرد اثربخش در محیط مؤثر می‌داند (تیلور، انتوماتیس و اسمیت<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷؛ شوارتز<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۰). رویکرد خودتعیین‌گری بر بخش‌هایی از «خود» تأکید می‌کند که به واسطه انگیزه‌های درونی، فشارها و انتظارات درونی برانگیخته می‌شوند و فرد را وادار به فعالیت می‌کنند. نظریه خودتعیین‌گری مبتنی بر فرآیندهای یکپارچه فعالی است که زمینه‌ساز سازمان روان‌شناختی بیان شده توسط پیاز و گرایش به خودشکوفایی طبق رویکرد راجرز می‌شود (نی، هادن، پورتر و رودریگوئز<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۳). مؤلفه‌های خودتعیین‌گری چون خودمختاری، شایستگی و ارتباط علاوه بر کاربرد در گستره فردی، قادرند رضایت از رابطه و تعاملات صادقانه با دیگران را نیز پیش‌بینی کنند (هودگینز، لیبسکایند و شوارتز<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۶) و تلاش کم‌تر برای

1. Frousakis, N. N.

2. Doss, B. D., Simpson, L. E., & Christensen, A.

3. Fincham, F. D.

4. Buehler, C., & Gerard, J. M.

5. Carr, A.

6. Gurman, A. S.

7. self-determination theory

8. Knee, C. R., Lonsbary, C., Canevello, A., & Patrick, H.

9. autonomy

10. competence

11. relatedness

12. Carreira, J. M.

13. Taylor, I. M., Ntoumanis, N., & Smith, B.

14. Schwartz, B.

15. Knee, C. R., Hadden, B. W., Porter, B., & Rodriguez, L. M.

16. Hodgins, H. S., Liebeskind, E., & Schwartz, W.

مواجهه و مقصر جلوه دادن دیگران در روابط اجتماعی را پیش بینی می کند (هودگینز و لبسکایند<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). خودتعیین گری در رابطه زناشویی به نقش حفظ استقلال خود در رابطه در عین تلاش برای تنظیم رابطه برای ایجاد تعادل بین نیازهای خود و دیگری تأکید دارد، تا بدین وسیله فرد به نیاز برای احساس شایستگی و کفایت در رابطه زوجی پاسخ دهد. همسرانی که نمرات بالایی در خودتعیین گری کسب می کنند، مشارکت یکپارچه، واقعی و اصیلی در رابطه با دیگری دارند، که محصول آن دلبستگی ایمن، درک همدلانه و حمایت از نیازهای دیگری و اجتناب از موضع دفاعی در طول رابطه است (نی و همکاران، ۲۰۱۳). برخی پژوهش ها نشان دادند که جهت گیری های خودمختاری زوجین با استفاده از راهبردهای مقابله ای نگهدارنده<sup>۲</sup> بیشتر و راهبردهای مقابله ای اجتنابی کم تر (نی و زاکرمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶) و جهت گیری معطوف به کنترل با استفاده از انکار در زوجین همبسته است (نی، پاتریک، ویتور، نایاکارا و نیبرز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). افراد دارای جهت گیری معطوف به کنترل، تحت تأثیر تقاضاها و فشارهای بیرونی به رفتارهای خود سازمان می دهند. وجود چنین رفتارهایی موجب برانگیختن واکنش های دفاعی، انکار و مقصر جلوه دادن دیگری در رابطه زناشویی می شود (نی و همکاران، ۲۰۱۳). این راهبردهای غیر مؤثر حل تعارض که از ضعف در مهارت های خودتعیین گری در زوجین نشأت می گیرد، شامل مقصدانستن، تهدید، درگیر کردن دیگر افراد، تحریف واقعیت و اجتناب از مسائل واقعی (الدریگ و کریستنسن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲) منجر به کاهش کیفیت تعاملات در زوجین می شود (بالارد-رسچ و ویگل<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹) و سرمایه گذاری زوجین بر رابطه ناخشنودکننده را به چالش می کشد. برخورداری زوجین از مؤلفه های خودتعیین گری آن ها را در مقابل تعارضات زناشویی متوسل به راهبردهای مبتنی بر خود چون پذیرش مسئولیت در حفظ یا تهدید رابطه و پذیرش سهمی از مشارکت در حل سازنده تعارضات می کند. زوجین دارای خودتعیین گری بالا، در حین مواجهه با اختلافات زناشویی، ضمن پذیرش مسئولیت خود برای حفظ رابطه، سهمی در حل تعارضات برای خود قائل اند، چرا که خود را به رابطه زناشویی متعهد می دانند، از این رو برای حفظ و تداوم رابطه تلاش می کنند.

تعهد زناشویی<sup>۷</sup> به معنای وفاداری و اعتماد به رابطه (همپل و ونگلیستی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸) و نوعی جهت گیری بلندمدت نسبت به رابطه، همراه با احساسات دلبستگی روانی و قصد پافشاری بر رابطه در لحظات خوب و بد (کاکس، وکسلر، روزبلت و گینز<sup>۹</sup>، ۱۹۹۷)، با ویژگی هایی چون صداقت در رابطه، وفاداری، به اشتراک گذاری عقاید و نظرات زوجین (دی فرین و آسای<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷) است و از شاخصه های متمایزکننده زوجین خشنود و ناخشنود از رابطه زناشویی محسوب می شود. در الگوی تعاملات زناشویی مبتنی بر تعهد، زوجین با مذاکره بر روی مسائل و نقش های موجود توافق می کنند، بر اساس دیدگاه وابستگی متقابل، تعهد به یک رابطه مبتنی بر معادله سود-هزینه مشخص می شود (کلی و تایبات<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۸). رابطه ای که سرمایه گذاری زیادی در آن صورت گرفته و پاداش بیش تری از رابطه عاید زوجین می سازد، ماندگارتر و باثبات تر از رابطه ای است که هزینه های آن از پاداش دریافتی بیش تر است. برخی مطالعات نیز نشان دادند که زوجین متعهد به رابطه زناشویی، ارزش بیش تری برای زندگی مشترک خود قائلند و سال های زیادی را در کنار هم به سر می برند (سیمانسکی<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۶). پژوهش های مختلف حاکی از رابطه تعهد زناشویی با رفتارهای نگهدارنده و رضایت زناشویی در زوجین است (روزبلت<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۳؛ بوید<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۴؛ موسوی، ۱۳۹۷). از طرفی، زوجین با احساس رضایت بیش تر از رابطه زناشویی، به تداوم رابطه مشترک بیش تر باور داشته و به آن متعهد می مانند (گریفن، ۲۰۱۱)، اگرچه، همسرانی نیز هستند که علی رغم نداشتن رضایت از رابطه زناشویی به دلیل وجود محدودیت های موجود در رابطه زوجی یا اجتماعی، به رابطه متعهد می مانند (گوئررو، آندرسون و افیی<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۷). این مفهوم سه نوع تعهد به رابطه زناشویی را

<sup>1</sup>. Hodgins, H. S., & Liebeskind, E.

<sup>2</sup>. maintenance coping strategies

<sup>3</sup>. Knee, C. R., & Zuckerman, M.

<sup>4</sup>. Knee, C. R., Patrick, H., Vietor, N. A., Nanayakkara, A., & Neighbors, C.

<sup>5</sup>. Eldridge, K. A., & Christensen, A.

<sup>6</sup>. Ballard-Reisch, D. S., & Weigel, D. J.

<sup>7</sup>. marital commitment

<sup>8</sup>. Hampel, A. D., & Vangelisti, A. L.

<sup>9</sup>. Cox, Wexler, Rusbult & Gaines

<sup>10</sup>. DeFrain, J., & Asay, S. M.

<sup>11</sup>. Kelley, H. H., & Thibaut, J. W.

<sup>12</sup>. Simanski, J. W.

<sup>13</sup>. Rusbult, C. E.

<sup>14</sup>. Boyd, R. S.

<sup>15</sup>. Guerrero, L.K., Andersen, P.A. & Afifi, W.A.

آشکار می‌سازد، تعهد شخصی تحت تأثیر جذابیت‌های موجود در همسر، جذابیت رابطه، و هویت زناشویی (جانسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹)، تعهد اخلاقی به معنای ماندن در رابطه مبتنی بر احساس قرارداد شخصی به همسر، احساس وفاداری اخلاقی به وی و نگرستن به ازدواج به عنوان رابطه‌ای مقدس (استرانگ و کوهن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳، شیلد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱) و تعهد ساختاری به ازدواج به دلیل محدودیت‌های موجود در رابطه چون داشتن فرزند، فشار اجتماع و... همراه با الزام بیرونی است (آدامز و جونز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷). ازدواج به مثابه میثاقی محکم و تعهدی مبتنی بر اخلاق، پیش‌بینی‌کننده تداوم زندگی مشترک و رضایت از رابطه است (رضاپورمیر صالح، اسمعیلی، فرحبخش و سعیدذکایی، ۱۳۹۲).

رضایت زناشویی به معنای ارزیابی کلی زوجین از ازدواج (بگول<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) از عوامل مختلف فردی چون خلق‌وخو (گیسر، کانو و لئونارد<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵)، دلبستگی (بانسه<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴)، سازه‌های مرتبط با صفات هسته‌ای (جعفری‌فاضل، دهشیری و موسوی، ۱۳۹۶) و متغیرهای تعاملی چون صمیمیت، کیفیت ارتباطات و توزیع برابر نقش‌ها (میلر و تدر<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱) متأثر می‌شود. برادبری، فینچام و بیچ<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) طی مروری گسترده بر ادبیات تحقیقی در دهه ۱۹۹۰ به بررسی عوامل بافتی و بین‌فردی تعیین‌کننده رضایت زناشویی پرداخته و دریافته‌اند که از بین عوامل بین‌فردی ادراک همسران از یکدیگر، واکنش‌های هیجانی آن‌ها، الگوهای رفتار تعارضی و توانایی آن‌ها برای حل مسأله و از بین عوامل بافتی، موقعیت اقتصادی-اجتماعی، میزان پایبندی مذهبی، حضور کودکان، تجربه جدایی در خانواده و تنش‌های زندگی چون والدشدن بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد. مطالعات بسیاری با هدف تعیین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زناشویی به این نتیجه رسیدند که زوجین با رضایت زناشویی بالا، از سازگاری بیشتری در زندگی برخوردارند. زوجین برخوردار از شیوه‌های کارکردی مناسب در خانواده چون مهارت‌های ارتباطی، ایفای نقش و حل تعارض دارای سازگاری زناشویی بالایی هستند (موسوی، ۱۳۹۲؛ ابراهیمی و جان‌بزرگی، ۱۳۸۷). برخی مطالعات نشان دادند که زوجین آشفته و ناخشنود، از مهارت‌های ارتباطی خود به عنوان سلاحی برای ارسال پیام‌های منفی به شریک خود بهره می‌گیرند (هاید و دلماثور<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸). زوجینی که از زندگی زناشویی رضایت‌بخشی برخوردارند، تعاملات همسر خود را به شیوه‌ای متفاوت از زوج‌های ناراضی تعبیر و تفسیر می‌کنند، این‌گونه الگوهای ادراکی قادر است زندگی زناشویی موفق را موفق‌تر کند و یا موجب بروز مشکلات و کشمکش بیش‌تری در زوجین شود (ماتلین، ۱۳۹۰). که گاه بسته به تفاوت‌های جنسیتی از ابعاد پیچیده‌تری برخوردار می‌شود.

در بررسی تفاوت‌های زنان و مردان در پیامدهای مثبت زناشویی، مطالعه دهشیری و موسوی (۱۳۹۵) نشان داد بین رضایت زناشویی مردان و زنان تفاوتی وجود ندارد. دینکل و بلک<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۵) نیز بین نمرات رضایتمندی زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده نکردند. با این حال، السون، السون-سیگ و لارسون<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸) دریافته‌اند که زنان بیش‌تر از مردان معتقدند که زندگی زناشویی آن‌ها، همه استانداردهایی را که از یک رابطه موفق انتظار داشته‌اند، برآورده نکرده است، علاوه بر آن، زنان بیش‌تر از مردان، در مقابل مشکلات زناشویی حساسیت نشان می‌دهند، اگرچه مردان در بروز احساسات خود، مقاومت نشان داده و در تعاملات خود از راهبردهای اجتنابی بیش‌تری استفاده می‌کنند، اما در این مطالعات ارزیابی ذهنی مثبت‌تری از رابطه زناشویی خود داشتند (مرکز آمار سنگاپور<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۳)، در همین راستا، کردک<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۵) دریافت که رضایت زناشویی مردان به شکل باثبات‌تری با سبک‌های مدیریت تعارض همسرانشان ارتباط دارد. گاتمن<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۴) نیز نشان داد زنان در روابط صمیمی راحت‌تر عمل کرده و هیجانات خود را بهتر مدیریت می‌کنند. زنان بر موضوعات رابطه‌ای بیش‌تر از مردان تمرکز می‌کنند و از چنین موضوعاتی بیش‌تر از مردان آگاه‌اند.

1. Johnson, M. P.

2. Strong, B., & Cohen, T.

3. Shields, E. P.

4. Adam & Jones

5. Bagwell, E. K.

6. Geisser, M. E., Cano, A., & Leonard, M. T.

7. Banse, R.

8. Miller, J. & Tedder, B.

9. Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R.

10. Hyde, J. S. & DeLamater, J. D.

11. Dinkel, A., & Balck, F.

12. Olson, D., Olson-Sigg, & Larson, P.

13. Singapore Department of Statistics

14. Kurdeck, L. A.

15. Gottman, J.

با توجه به آن چه گفته شد اهمیت «خود» معطوف به کاهش تعارض در زندگی زناشویی، ارتباط آن با تعهد به زندگی مشترک و رضایت زناشویی مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی موضوعی قابل بحث و تأمل است. از این رو، این پژوهش با هدف مقایسه ابعاد خودتعیین‌گری، تعهد به رابطه و رضایت زناشویی در دو گروه از زنان و مردان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران صورت گرفت تا با بررسی نقش تعارض زناشویی در ابعاد خودتعیین‌گری، تعهد و رضایت زناشویی به این پرسش پاسخ دهد که آیا بین دو گروه در متغیرهای مورد مطالعه پژوهش تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ نقش جنسیت در مطالعه متغیرهای یادشده و تعامل آن با تعارض زناشویی چگونه است؟

## روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع پس‌رویدادی است. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه از زنان و مردان متأهل بدون و دارای تعارضات زناشویی ساکن شهر تهران در سال‌های ۹۸-۱۳۹۷ بودند که در گروه زنان و مردان متأهل دارای تعارض نیز ۸۵ نفر (۵۹ زن و ۲۵ مرد)  $9 \pm 5/5$  در دامنه سنی ۶۳-۲۱، میانگین و انحراف استاندارد سن ازدواج  $24/24 \pm 5/15$  در دامنه ۳۴-۱۳ سال، میانگین و انحراف استاندارد طول مدت ازدواج  $10/86 \pm 9/35$  در دامنه ۳۵-۱ سال که برای دریافت مشاوره در مورد تعارضات زناشویی به دو مرکز مشاوره واقع در منطقه سه شهر تهران- که اعلام همکاری نمودند- مراجعه کرده بودند، به صورت داوطلب برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش برای گروه یادشده، برخورداری از سلامت جسمی و روانی، نداشتن سابقه اختلال منجر به بستری، گذشت حداقل یکسال از ازدواج، داشتن حداقل دیپلم، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و مراجعه به مراکز مشاوره به دلیل اختلافات زناشویی حل نشده بود.

در گروه زنان و مردان متأهل بدون تعارض، نمونه پژوهش شامل ۹۷ نفر (۵۶ زن و ۴۱ مرد) با میانگین و انحراف استاندارد سنی  $41/08 \pm 41/1$  در دامنه سنی ۵۹-۲۳، میانگین و انحراف استاندارد سن ازدواج  $24/98 \pm 6/71$  در دامنه ۳۷-۱۶، میانگین و انحراف استاندارد طول مدت ازدواج  $14/78 \pm 9/84$  در دامنه ۳۲-۱ سال بودند که به روش نمونه‌گیری دردسترس از مراکز عمومی (میادین، پارک‌ها، فرهنگسراها، سالن‌های ورزشی و ...) واقع در پنج نقطه شهر تهران (شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز) به صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند.

## ابزار سنجش

**مقیاس نیازهای اساسی در روابط (BPNS):** ابعاد ارضای نیازهای اساسی در روابط<sup>۱</sup> در ۹ گویه، از خرده‌مقیاس‌های نیازهای اساسی روانی در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از اصلاً صحیح نیست (۱) تا کاملاً صحیح است (۷) توسط شلدون، الیوت، کیم و کاسر<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) برای سنجش ارضای نیاز در روابط خاص و ارزیابی درجه رضایت‌مندی نیاز اولیه شخص در ارتباط با همسر، یا بهترین دوست یا مادر، یا فرزندان یا هرکس دیگر ساخته شده است. سوالات این خرده‌مقیاس‌ها مربوط به سه نیاز روانی اساسی است که نمره هر کدام از آن‌ها جداگانه محاسبه می‌گردد. این مؤلفه‌ها شامل احساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش لاگاردیا، رایان، کوچمن و دسی<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) بررسی شد که به ترتیب در شش نوع رابطه اعم از مادر، پدر، همسر، بهترین دوست، هم‌اتاقی و یک بزرگسال مهم  $0/91$ ،  $0/94$ ،  $0/88$ ،  $0/85$ ،  $0/90$  و  $0/90$  به دست آمد. در پژوهش موسوی و قلی‌نسب قوجه بیگلو (۱۳۹۸) ضریب پایایی خرده‌مقیاس‌های خودمختاری، شایستگی و ارتباط با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب  $0/50$ ،  $0/63$  و  $0/65$  به دست آمد. در پژوهش حاضر، پایایی خرده‌مقیاس‌های مذکور به ترتیب  $0/70$ ،  $0/84$  و  $0/80$  محاسبه شد.

**پرسشنامه ابعاد تعهد زناشویی (DCI):**<sup>۴</sup> این مقیاس تعهد زناشویی را در سه سطح تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری بر اساس نظر آدامز و جونز<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) در سه گویه در طیف لیکرت ۹ درجه‌ای از خیلی کم (۰) تا خیلی زیاد (۹) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پژوهش موسوی (۱۳۹۷) روایی همگرایی مقیاس تعهد شخصی و اخلاقی با مقیاس تعهد زناشویی روزبلت، برابر با  $0/73$  و همبستگی تعهد

1. Basic Psychological Need Scale (BPNS)

2. Basic Need Satisfaction in relationship

3. Sheldon, K. M., Elliot, A. J., Kim, Y., & Kasser, T.

4. La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L.

5. Dimensions of Commitment Inventory (DCI)

6. Adams, J. M., & Jones, W. H.

ساختاری با مقیاس تعهد زناشویی روزبلیت برابر با ۰/۲۳- محاسبه گردید. در مطالعه گانتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه شد.

**مقیاس رضایت زناشویی کانزاس (KMSS):** این مقیاس سه گویه‌ای توسط شام، نیکولز، شکمن، گریگسبی<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) با هدف ارزیابی رضایت از روابط زناشویی ساخته شد (شام و همکاران، ۱۹۸۶). بر اساس یک مطالعه فراتحلیل درباره اعتبار ابزارهای موجود در زمینه رضایت زناشویی، این مقیاس دارای بیش‌ترین اعتبار بوده است (گراهام، دایبلز و برنو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). در این مقیاس، پاسخ‌گو بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (کاملاً ناراضی‌ام) تا ۷ (کاملاً راضی‌ام) میزان رضایت از همسر خود را درجه‌بندی می‌کند. دامنه نمرات بین ۷ تا ۳۵ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده رضایت زناشویی بیش‌تر است. همسانی درونی این مقیاس در بین زوجین ایرانی ۰/۹۱ (دهشیری و موسوی، ۱۳۹۳) و همبستگی آن با مقیاس سنجش رضایت از رابطه<sup>۵</sup> (RAS) ۰/۷۴ گزارش شده است (دهشیری و موسوی، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۶ محاسبه شد.

پس از هماهنگی با مراکز مشاوره داوطلب برای مشارکت در پژوهش و هماهنگی با کارشناس مراکز برای انتخاب نمونه با شرایط پژوهش، پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی توسط مراجعه‌کنندگان داوطلب تکمیل شد، در گروه عادی نیز پس از جلب رضایت شرکت‌کنندگان و توضیح هدف پژوهش، پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی تکمیل شد. در مورد محرمانه‌ماندن اطلاعات به هر دو گروه اطمینان داده شد. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل پالایش و وارد شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS-24 مورد تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد هریک از متغیرهای پژوهش به تفکیک دو گروه در زنان و مردان ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته به تفکیک جنس

متغیرهای پژوهش	بدون تعارض		دارای تعارض		تعداد
	زن	مرد	زن	مرد	
	M(SD)	M(SD)	M(SD)	M(SD)	
خودمختاری	۱۶/۱۸ (۴/۵۵)	۱۴/۵۹ (۵/۰۳)	۱۳/۳۱ (۴/۵۶)	۱۳/۵۶ (۴/۹۸)	۱۳/۳۸ (۴/۶۶)
شایستگی	۱۶/۷۵ (۴/۹)	۱۴/۸۸ (۵/۹۵)	۱۳/۰۳ (۵/۲۶)	۱۴/۸۴ (۳۶/۸۴)	۱۳/۵۷ (۴/۹۳)
ارتباط	۱۶/۶۶ (۴/۵)	۱۵/۲۴ (۵/۷۶)	۱۱/۰۲ (۵/۰۷)	۱۳/۷۶ (۴/۷۳)	۱۱/۸۳ (۵/۱۱)
تعهد زناشویی	۱۸/۶۹ (۳/۶۶)	۱۹/۰۵ (۴/۵۸)	۱۶/۱۷ (۶/۳)	۱۸/۸۴ (۳/۱۵)	۱۶/۹۸ (۵/۶۶)
رضایت زناشویی	۱۶/۱۱ (۴/۹۵)	۱۷/۱۲ (۵/۲۱)	۱۰/۹ (۴/۹۶)	۱۴/۲۸ (۴/۱۲)	۱۱/۹۲ (۴/۹۵)
	۵۶	۴۱	۹۷	۲۵	۸۴

به منظور بررسی اثر تعارض زناشویی و جنسیت، از تجزیه و تحلیل چندمتغیره در جداول ۲ و ۳ استفاده شده است.

جدول ۲: اثر تعارض و جنسیت بر متغیرهای وابسته پژوهش

اثر	لامبدا و یلکز	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	p	$\eta^2$
تعارض زناشویی	۰/۸۱	۷/۸	۵	۱۷۰	۰/۰۰۱	۰/۱۹
جنسیت	۰/۹۲	۲/۷۸	۵	۱۷۰	۰/۰۱	۰/۰۸
تعارض جنسیت	۰/۹۴	۱/۸۸	۵	۱۷۰	۰/۰۹	۰/۰۵

نتایج جدول ۲ نشان داد که تعارض زناشویی و جنسیت، اثر معنی‌داری بر متغیرهای وابسته دارد.

1. Gunter, J. S.

2. Kansas Marital Satisfaction Scale

3. Schumm, W. R., Nichols, C. W., Schectman, K. L., & Grigsby, C. C.

4. Graham, J. M., Diebels, K. J. & Barnow, Z. B.

5. Relationship Assessment Scale

$\lambda = 0/11$ ،  $F(5, 170) = 7/8$ ،  $p < 0/01$ ،  $\eta^2 = 0/19$  (اثر تعارض)

$\lambda = 0/92$ ،  $F(5, 170) = 2/78$ ،  $p < 0/01$ ،  $\eta^2 = 0/08$  (اثر جنسیت)

جدول ۳: تحلیل چندمتغیره ابعاد خودتعیین‌گری در رابطه زناشویی، تعهد و رضایت زناشویی در دو گروه

منبع	df	میانگین مجذورات	F	p	$\eta^2$
تعارض	۱	۱۶۳/۱۳	۷/۳۸	۰/۰۰۷	۰/۰۴
	۱	۱۴۹/۳۶	۵/۶۲	۰/۰۲	۰/۰۳
	۱	۵۵۶/۱۰	۲۲/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۱۱
	۱	۷۳/۹۶	۳/۱۸	۰/۰۷	۰/۰۲
	۱	۶۸۳/۳۵	۲۹/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۱۴
جنسیت	۱	۱۷/۳۸۵	۰/۷۹	۰/۳۷	۰/۰۰۵
	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۹۹	۰/۰۰۱
	۱	۱۱/۹۴۹	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۰۰۳
	۱	۹۱/۷۴	۳/۹۴	۰/۰۴	۰/۰۲
	۱	۱۷۳/۸	۷/۴۳	۰/۰۰۷	۰/۰۴
تعارض * جنسیت	۱	۳۹/۵۹۱	۱/۷۹	۰/۱۸	۰/۰۱
	۱	۱۴۳/۵۴	۵/۴	۰/۰۲	۰/۰۳
	۱	۲۰۱/۷۵	۸/۱۴	۰/۰۰۵	۰/۰۴
	۱	۵۳/۰۰۴	۲/۲۸	۰/۱۳	۰/۰۱
	۱	۶۷/۲۳	۲/۸۸	۰/۰۹	۰/۰۲

چنانچه از جدول ۳ مشاهده می‌شود اثر تعارض بر ابعاد خودتعیین‌گری در رابطه زناشویی معنی‌دار است، با نگاهی به جدول ۱ می‌توان دریافت که گروه مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، در خودمختاری [ $F(1, 174) = 7/38, p < 0/01, \eta^2 = 0/04$ ]، شایستگی [ $F(1, 174) = 5/62, p < 0/01, \eta^2 = 0/03$ ] و ارتباط [ $F(1, 174) = 22/43, p < 0/001, \eta^2 = 0/11$ ] از گروه متأهلین بدون تعارض نمرات پایین‌تری کسب کردند. همچنین این گروه، نسبت به گروه بدون تعارض در تعهد زناشویی [ $F(1, 174) = 3/18, p < 0/05, \eta^2 = 0/02$ ] و رضایت زناشویی [ $F(1, 174) = 29/27, p < 0/001, \eta^2 = 0/14$ ] نمرات پایین‌تری را گزارش نمودند.

نتایج این جدول همچنین نشان می‌دهد اثر جنسیت بر تعهد زناشویی و رضایت زناشویی معنی‌دار است، به این معنا که مردان به طور کلی، نمرات بالاتری در تعهد زناشویی [ $F(1, 174) = 3/94, p < 0/02, \eta^2 = 0/02$ ] و رضایت از رابطه زناشویی [ $F(1, 174) = 7/43, p < 0/01, \eta^2 = 0/04$ ] نسبت به زنان گزارش نمودند.

در بررسی اثر تعاملی تعارض و جنسیت، نتایج جدول ۳ نشان داد که این اثر در متغیرهای شایستگی و ارتباط از ابعاد خودتعیین‌گری در رابطه زناشویی معنادار است. نگاهی به جدول ۱ نشان می‌دهد که زنان گروه بدون تعارض نمرات بالاتری در شایستگی [ $F(1, 174) = 5/4, p < 0/02, \eta^2 = 0/03$ ] و ارتباط [ $F(1, 174) = 8/14, p < 0/01, \eta^2 = 0/04$ ] گزارش نمودند.

### بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج فرصتی برای ساختن صدا و معنای مشترک است. از این‌رو، هرگونه رابطه صمیمانه می‌تواند فرصتی برای الهام و رشد فردیت در فضایی از اشتراک معنایی بین زوجین فراهم کند، به‌ویژه اگر چنین رابطه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و مؤلفه‌های پایدار و مبتنی بر باورهای ریشه‌دار همسران شکل گرفته باشد، تداوم و بقای رابطه را پیش‌بینی خواهد کرد. در چنین فضایی است که آزادی، استقلال و احساس شایستگی افراد در خدمت تعامل و رابطه زوجی ترجمه و بازتعریف می‌شود. این مطالعه با هدف بررسی ابعاد خودمختاری، احساس شایستگی و ارتباط (به عنوان مؤلفه‌های خودتعیین‌گری)، تعهد به همسر و رضایت زناشویی در دو گروه از زنان و مردان متأهل بدون و دارای تعارض مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران انجام شد.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد گروه بدون تعارض در همه ابعاد خودتعیین‌گری شامل خودمختاری، شایستگی و ارتباط از گروه متأهلین دارای تعارض نمرات بالاتری کسب کردند. این یافته با نتایج مطالعات هودگینز و همکاران (۱۹۹۶) و هودگینز و لیبسکایند (۲۰۰۳) همسو است. ارضای نیاز به خودمختاری و حفظ استقلال در رابطه زوجی، در عین کمک به شکوفایی و عزت‌نفس فرد، موجب ارزشمندی طرف دیگر رابطه، ارزش‌قائل شدن برای خود رابطه و درگیر شدن بیش‌تر فرد در رابطه می‌شود، محصل رابطه‌ای که در آن، فرد احساس خودارزشمندی و کفایت نماید، دلبستگی ایمن به شریک زندگی، درک همدلانه و رفتارهای نگهدارنده در رابطه است و بالندگی فردی همراه با بالندگی زوجی را برای هر دو طرف رابطه به ارمغان می‌آورد. ناومی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) دریافت که افرادی که احساس خودمختاری بیش‌تری در رابطه دارند و نیاز به ارتباط در آن‌ها در رابطه زوجی تأمین شده است، رضایت بیش‌تری از رابطه دارند. از این‌رو، منطقی است که تعهد بیش‌تری به یک رابطه ارضاکنده داشته باشند. نیاز به خودمختاری، در واقع نیاز به آزادی برای خودتعیین‌گری است که با تلاش برای جداسازی فضای شخصی در حبابی از رابطه با خود که منجر به خودمزوی‌سازی<sup>۲</sup> و بیگانگی خودتحمیل‌شده<sup>۳</sup> می‌شود، متفاوت است. خودمختاری تلاش برای به اشتراک‌گذاری «من» با «او» برای تبدیل شدن به «ما»یی است که تهدید به فردیت را به فرصتی برای مشارکت و همدلی مبدل می‌سازد، نی و زاگرم (۱۹۹۶) نشان دادند که جهت‌گیری‌های معطوف به حفظ استقلال زوجین با پذیرش اهداف زوجی و اتخاذ راهبردهای نگهدارنده رابطه و استفاده کم‌تر از راهبردهای اجتنابی همبسته است. این راهبردهای مخرب را گانمن (۱۹۹۴) دیوار سنگی می‌نامد، دیوارهایی که بانگیزه حفظ فردیت توسط زوجین بنا می‌شوند و اغلب با اضطراب، استرس و احساس عدم‌امنیت روانی در تعاملات روزانه فرد ظاهر می‌شوند و فرد را به واکنش‌های تدافعی و فرافکنی برای حفظ موجودیت «خود» برمی‌انگیزاند. افراد خودمختار، از کنترل زندگی و مشارکت در انتخاب‌های پیش‌آمده احساس شایستگی می‌کنند و معمولاً اشتباهات رفتاری و پیامدهای اعمال خود را می‌پذیرند (مورسونبول<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). همسرانی که از نظم درونی برای کنترل رفتارهای خود برخوردارند، سهم بیش‌تری برای خود در حفظ و نگهداری رابطه زناشویی قائل‌اند، از این‌رو، در صورت بروز تعارضات بین فردی با توسل به راهبردهای مبتنی بر خودتعیین‌گری و خودکنترلی که مؤلفه‌های پایدار شخصیتی و مبتنی بر فضیلت‌ها در فرد بنا شدند، با شناختن ارزش رابطه‌ای که درگیر آن هستند، رفتارهای نگهدارنده بیش‌تری از خود نشان داده و قوام و ثبات رابطه زناشویی را تضمین می‌کنند.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد گروه بدون تعارض در تعهد زناشویی و رضایت زناشویی نمرات پایین‌تری را گزارش نمودند. این یافته با نتایج مطالعات سیمانسکی (۱۹۹۶)، رزبلیت (۱۹۹۳)، موسوی (۱۳۹۷) و گریفین (۲۰۱۱) همسو است. این مطالعات نشان دادند که زوجین متعهد به زندگی زناشویی، رفتارهای نگهدارنده بیش‌تری در زندگی داشته، رضایت بیش‌تری از رابطه دارند و چون رضایت بیش‌تری از رابطه زناشویی دارند و خود را به رابطه ارضاکنده، پایبندتر می‌دانند. همسرانی که از راهبردهای دفاعی کم‌تری در حل تعارضات زناشویی استفاده می‌کنند، بر روابط خود به عنوان روابط رضایت‌بخش سرمایه‌گذاری بیش‌تری کرده، سود بیش‌تری از رابطه عاید خود می‌کنند، لذا با هزینه‌های کم‌تری که رابطه برای آنها دارد، ثبات بیش‌تری را در رابطه متصورند (کلی و تابیات، ۱۹۸۷). مطالعه برادبوری و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد الگوهای حل تعارض و معطوف‌به‌مسأله رضایت بیش‌تری از رابطه برای زوجین دربردارد. این افراد سازگاری بیش‌تری با همسر دارند، هاید و دلماتور (۲۰۰۸) بر رفتارهای منفی در رابطه زوجین ناخشنود تأکید کردند، به نظر ماتلین (۱۳۹۰) زوجین آشفته تعاملات و رفتارهای همسر را به شیوه‌ای متفاوت و منفی ارزیابی می‌کنند و همین امر، مشکلات رابطه‌ای و کاهش موفقیت در رابطه را پیش‌بینی می‌کند.

نتایج همچنین نشان داد مردان به طور کلی، نمرات بالاتری در تعهد زناشویی و رضایت از رابطه زناشویی نسبت به زنان کسب کردند. این یافته با نتایج مطالعات دهشیری و موسوی (۱۳۹۵) و دینکل و بلک (۲۰۰۵) ناهمسو و با نتایج مطالعات السون و همکاران (۲۰۰۸) همسو است. مطابق با یافته‌های السون و همکاران (۲۰۰۸) زنان به دلیل حساسیت بیش‌تر در برابر مشکلات زناشویی و ارزیابی بسیاری از سازه‌های شخصیتی خود در رابطه با دیگری به ویژه همسر، استانداردهایی بالایی برای رابطه موفق ترتیب می‌دهند، مطالعه موسوی و دهشیری (۱۳۹۴) نشان داد زنان کم‌تر از مردان انتظارات خود از رابطه زناشویی ایده‌آل را محقق می‌دیدند و فاصله زیادی بین انتظارات و واقعیت موجود رابطه زناشویی خود احساس می‌کردند، این نحوه نگرش موجب می‌شود تا زنان در مقایسه با مردان، در ارزیابی ذهنی کیفیت رابطه زناشویی با در نظر گرفتن تعداد زیادی از مؤلفه‌های زندگی موفق، سخت‌گیرانه‌تر عمل کنند و قضاوت‌های منفی‌تری نسبت به کل

<sup>1</sup> Naemi, A. M.

<sup>2</sup>.self-isolation

<sup>3</sup>.self-imposed alienation

<sup>4</sup>.Morsünbül, Ü.



رابطه داشته باشند، در مطالعه ایوب و اقبال<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) درک متقابل و رضایت جنسی از مؤلفه‌های مهم رضایت زناشویی در مردان و کیفیت ارتباط، مصالحه و مفاهمه از عوامل رضایت زناشویی در زنان گزارش گردید. این به این معناست که زنان بیش از مردان به مؤلفه‌های ارتباطی در رابطه زناشویی اهمیت می‌دهند. مردان علی‌رغم دشواری در ابراز عواطف و احساسات و استفاده از رویکردهای کناره‌گیری در حل تعارضات زناشویی، ارزیابی کلی مثبت‌تری نسبت به زندگی زناشویی دارند، از این‌رو، با مثبت ارزیابی کردن رابطه، خود را بیش‌تر ملزم به رابطه زناشویی می‌دانند.

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد زنان گروه بدون تعارض در مقایسه با گروه دارای تعارض نمرات بالاتری در شایستگی و ارتباط گزارش کردند. این نتایج همسو با یافته‌های مطالعات لاگوردیا و پاتریک<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، یوسال، لین، نی و بوش<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) و ون‌هی<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۸) است. زوجینی که از عهده حل کارآمد تعارضات زناشویی خود برمی‌آیند، قادرند به اهداف مطلوب تعریف‌شده در رابطه زناشویی خود دست یافته و از این‌رو احساس نیاز به شایستگی را ارضایافته می‌بینند. شایستگی به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان شامل احساس مؤثر و کارآمد بودن در تعاملات پیوسته با محیط بیرون است. احساس شایستگی با کنترل انگیزه‌ها مرتبط است که در آن فرد قادر به برنامه‌ریزی برای مسیرهای مختلف مورد نیاز برای رسیدن به هدف است. احساس شایستگی در رابطه زناشویی به احساس توانمندی، اثرگذاری و کارآمدی در کنار همسر اشاره دارد، از آنجایی که زنان رابطه‌محورند و خود را در ارتباط با دیگری تعریف می‌کنند، تعجب‌آور نیست که زنان بیش از مردان شایستگی خود را معطوف به رابطه با همسر تعریف کنند. از آنجایی که زنان بر رابطه تأکید بیش‌تری می‌ورزند، ارزیابی دقیق‌تری نیز از روابط بین‌فردی دارند. مطالعه گاتمن (۱۹۹۴) نشان داد زنان به دلیل تمرکز بر رابطه صمیمی با همسر، بر موضوعات رابطه‌ای بیشتر اهمیت داده و نسبت به مردان از این موضوعات درک دقیق‌تری دارند. با استناد به فرهنگ نیز می‌توان گفت در فرهنگ سنتی جمع‌گرا که مردان را تکیه‌گاه و نقطه اتکای زندگی برای همسران معرفی می‌کند، زنان احساس شایستگی در زندگی مشترک را از رابطه با همسر استنباط و ادراک می‌کنند. نیاز به ارتباط، احساس نزدیکی مرتبط با یک شریک زندگی، حس امنیت، داشتن احساس تعلق به دیگران در محیط اجتماعی است و رضایت فرد از نیاز برای ارتباط به تجربه مراقبت متقابل، عشق متقابل و ثابت با شریک رابطه اشاره دارد، از این‌رو، زوجینی که از رابطه زناشویی خود رضایت دارند و از مهارت‌های حل‌سازنده تعارضات در رابطه برخوردارند، با احساس شایستگی در حل تعارضات، نیاز به ارتباط را نیز در خود ارضا می‌کنند و بدین ترتیب به غنی‌سازی روابط خود کمک می‌کنند (ون‌هی و همکاران، ۲۰۱۸).

نتایج پژوهش به طور کلی حاکی از نقش خودتعیین‌گری و ارضای نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط در تقویت رضایت زنان و مردان از رابطه و تعهد به رابطه زناشویی بود. موضوعی که می‌تواند در آگاهی‌بخشی و زوج‌درمانی‌ها محور تمرکز مشاوران برای تقویت مؤلفه‌های «خود» در رابطه با دیگری برای رسیدن به رضایت بیش‌تر از رابطه و افزایش تعهد به رابطه قرار گیرد.

نمونه‌گیری دردسترس، مشارکت پایین مردان به ویژه در نمونه مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، همکاری پایین مراکز مشاوره، شناسایی گروه دارای تعارض در سطح شهر و محدودکردن گروه پرتعارض به مراکز مشاوره و مطالعه از نوع علی-مقایسه‌ای از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر است که در جهت رفع آن‌ها پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی امکان بررسی متغیرها در قالب مدلی از فرایندها و برآیندهای خودتعیین‌گری در رابطه زناشویی و نیز مطالعه به صورت مداخله در گروه‌های مختلف عادی و بالینی، صرف هزینه و زمان بیش‌تر برای انتخاب گروه دارای تعارض زناشویی از سطح شهر با استفاده از ابزارهای غربالگری فراهم شود.

## منابع

- ابراهیمی، ابوالفضل و جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۷). رابطه مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی. *دین و روان‌شناسی*. ۲: ۱۱۹-۱۰۷.
- جعفری‌فاضل، راضیه؛ دهشیری، غلامرضا؛ موسوی، سیده‌فاطمه (۱۳۹۵). نقش خود ارزیابی‌های هسته‌ای و احساس تنهایی در پیش‌بینی رضایت زناشویی و رضایت از زندگی زنان متأهل شهر تهران. *فصلنامه علوم روان‌شناختی*. ۱۵(۶۰): ۴۹۲-۵۰۳.
- دهشیری، غلامرضا و موسوی، سیده‌فاطمه (۱۳۹۳). نقش تعدیل‌کننده جنس در مقایسه شادکامی و رضایت از زندگی متأهلین دارای/ بدون رضایت زناشویی. *رویش روان‌شناسی*. ۳(۷): ۱۹-۳۰.

1. Ayub, N. & Iqbal, Sh.

2. La Guardia, J. G., & Patrick, H.

3. Uysal, A., Lin, H. L., Knee, C. R., & Bush, A. L.

4. Vanhee, G.

- دهشیری، غلامرضا و موسوی، سیده‌فاطمه (۱۳۹۵). خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس سنجش رابطه بین زوجین. *خانواده‌پژوهی*. ۱۲(۴۵): ۱۴۱-۱۵۴.
- رضاپورمیر صالح، یاسر؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث و سعیدذکایی، محمد (۱۳۹۲). بررسی ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در گفتگوهای درون شخصی زوجین مذهبی برخوردار از سازگاری زناشویی بالا. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*. ۳(۱۰)، ۵۳-۱۹.
- ماتلین، مارگارت. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی زنان*. ترجمه مهدی گنجی. تهران: نشر ساوالان.
- موسوی، سیده‌فاطمه (۱۳۹۲). نقش عملکرد خانواده (مبتنی بر الگوی مک‌مستر) در پیش‌بینی نگرش‌های صمیمانه و توافق زوجین در خانواده‌های شهر قزوین. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۳(۱۰)، ۴۰۱-۴۱۸.
- موسوی، سیده‌فاطمه (۱۳۹۷). نقش تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری به ازدواج در پیش‌بینی توافق، رضایت و انسجام زناشویی. *رویش روان‌شناسی*. ۱۷(۱)، ۹۳-۱۱۰.
- موسوی، سیده‌فاطمه و قلی‌نسب قوجه‌بیگللو، رقیه (۱۳۹۸). مطالعه نقش حمایت عاطفی و خودتعیین‌گری در رابطه زناشویی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان متأهل. *مطالعات زن و خانواده*. ۸(۱۳)، ۵۱-۷۱.
- موسوی، سیده‌فاطمه و دهشیری، غلامرضا (۱۳۹۴). نقش فاصله انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی در رضایت زناشویی زنان و مردان متأهل شهر تهران. *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*. ۱۳(۲)، ۱۱۰-۹۳.
- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 1177-1196.
- Ayub, N. & Iqbal, Sh. (2011). The Factors Predicting Marital Satisfaction: A Gender Difference in Pakistan. *International Journal of Interdisciplinary Social Sciences*, 6(7), 63-74.
- Bagwell, E. K. (2006). Factors Influencing Marital Satisfaction with a Specific Focus on Depression. Senior Honors Theses.
- Ballard-Reisch, D. S., & Weigel, D. J. (1999). Communication processes in marital commitment. In *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (pp. 407-424). Springer US.
- Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(2), 273-282.
- Boyd, R. S. (2014). Stable Conflict Resolution Styles and Commitment: Their Roles in Marital Relationship Self-Regulation. A thesis in Master of Science submitted to the faculty of Brigham Young University.
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 964-980.
- Buehler, C., & Gerard, J. M. (2002). Marital conflict, ineffective parenting, and children's and adolescents' maladjustment. *Journal of Marriage and Family*, 64(1), 78-92.
- Carr, A. (2012). *Family therapy: Concepts, process and practice*. John Wiley & Sons.
- Carreira, J. M. (2012). Motivational orientations and psychological needs in EFL learning among elementary school students in Japan. *System*, 40(2), 191-202.
- Cox, C. L., Wexler, M. O., Rusbult, C. E., & Gaines, S. O., Jr. (1997). Prescriptive support and commitment processes in close relationships. *Social Psychology Quarterly*, 60, 79-90.
- DeFrain, J., & Asay, S. M. (2007). Strong families around the world: An introduction to the family strengths perspective. *Marriage & Family Review*, 41 (1-2), 1-10.
- Dinkel, A., & Balck, F. (2005). An evaluation of the german relationship assessment scale. *Swiss Journal of Psychology/Schweizerische Zeitschrift für Psychologie/Revue Suisse de Psychologie*, 64(4), 259.
- Doss, B. D., Simpson, L. E., & Christensen, A. (2004). Why do couples seek marital therapy?. *Professional Psychology: Research and Practice*, 35(6), 608.
- Eldridge, K. A., & Christensen, A. (2002). Demand-withdraw communication during couple conflict: A review and analysis. *Understanding marriage: Developments in the study of couple interaction*, 289-322.
- Fincham, F. D. (2003). Marital Conflict: Correlates, Structure, and Context. *Current Directions in Psychological Science*. 12 (1)23-27.
- Frousakis, N. N. (2010). Communication in married couples: Exploring the roles of betrayal and forgiveness, A PhD Dissertation presented in the University of Tennessee, Knoxville.
- Geisser, M. E., Cano, A., & Leonard, M. T. (2005). Factors associated with marital satisfaction and mood among spouses of persons with chronic back pain. *The Journal of Pain*, 6(8), 518-525.
- Gottman, J. (۱۹۹۴). Why marriage succeed or fail: What you can learn from the break through research to make your marriage last. New York: Simon & Schuster.
- Graham, J. M., Diebels, K. J. & Barnow, Z. B. (2011). The Reliability of Relationship Satisfaction: A Reliability Generalization Meta-Analysis. *Journal of Family Psychology*, 25(1), 39-48.
- Guerrero, L.K., Andersen, P.A. & Afifi, W.A. (2007). *Close Encounters, communication in relationships*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Gunter, J. S. (2004). *An examination of the dimensions of commitment and satisfaction across years married* (Doctoral dissertation). University of Oklahoma.

- Gurman, A. S. (2013). Functions and factions: A reflection on possibilities for couple therapy integration. *Journal of marital and family therapy*, 39(4), 424.
- Hampel, A. D., & Vangelisti, A. L. (2008). Commitment expectations in romantic relationships: Application of a prototype interaction-pattern model. *Personal Relationship*, 15, 81-102.
- Hodgins, H. S., & Liebeskind, E. (2003). Apology versus defense: Antecedents and consequences. *Journal of experimental social psychology*, 39(4), 297-316.
- Hodgins, H. S., Liebeskind, E., & Schwartz, W. (1996). Getting out of hot water: Facework in social predicaments. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71(2), 300.
- Hyde, J. S. & DeLamater, J. D. (2008). *Understanding Human Sexuality*. McGraw-Hill Higher Education.
- Johnson, M. P. (1999). Personal, moral, and structural commitment to relationships. In *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (pp. 73-87). Springer US.
- Kelley, H. H., & Thibaut, J. W. (1978). *Interpersonal relations: A theory of interdependence*. New York: Wiley.
- Knee, C. R., & Zuckerman, M. (1996). Causality orientations and the disappearance of the self-serving bias. *Journal of Research in Personality*, 30, 76-87.
- Knee, C. R., Hadden, B. W., Porter, B., & Rodriguez, L. M. (2013). Self-determination theory and romantic relationship processes. *Personality and Social Psychology Review*, 17(4), 307-324.
- Knee, C. R., Lonsbary, C., Canevello, A., & Patrick, H. (2005). Self-determination and conflict in romantic relationships. *Journal of personality and social psychology*, 89(6), 997.
- Knee, C. R., Patrick, H., Vietor, N. A., Nanayakkara, A., & Neighbors, C. (2002). Self-determination as growth motivation in romantic relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 609-619.
- Kurdeck, L. A. (1995). Predicting change in marital satisfaction from husbands' and wives' conflict resolution styles. *Journal of Marriage and Family*, 57 (1), 153-164.
- La Guardia, J. G., & Patrick, H. (2008). Self-determination theory as a fundamental theory of close relationships. *Canadian Psychology*, 49, 201-209.
- La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L. (2000). Within-person variation in security of attachment: a self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *Journal of personality and social psychology*, 79(3), 367.
- Miller, J. & Tedder, B. (2011). The Discrepancy between Expectations and Reality: Satisfaction in Romantic Relationships. *Hanover College, PSY 401: Advanced Research*.
- Morsünbül, Ü. (2012). Özerklik ve Ruh Sağlığına Etkisi/Autonomy and Its Effect on Mental Health. *Psikiyatride Guncel Yaklasimlar*, 4(2), 260.
- Naemi, A. M. (2018). Relationship between basic psychological needs satisfaction with resilience and marital satisfaction in teachers. *International Journal of Educational and Psychological Researches*, 4(2), 78.
- Olson, D., Olson-Sigg, & Larson, P. (2008). *The couple checkup*. Nashville, TN: Thomas Nelson.
- Rusbult, C. E. (1993). Understanding responses to dissatisfaction in close relationships: the exit-voice-loyalty-neglect model. In *Conflict between People and Groups: Causes, Processes, and Resolutions*, ed. S Worchel, JA Simpson, pp. 30-59. Chicago: Nelson-Hall
- Schumm, W. R., Nichols, C. W., Schectman, K. L., & Grigsby, C. C. (1983). Characteristics of responses to the Kansas Marital Satisfaction Scale by a sample of 84 married mothers. *Psychological Reports*, 53(2), 567-572.
- Schumm, W. R., Paff-Bergen, L. A., Hatch, R. C., Obiorah, F. C., Copeland, J. M., Meens, L. D., & Bugaighis, M. A. (1986). Concurrent and discriminant validity of the Kansas Marital Satisfaction Scale. *Journal of Marriage and the Family*, 381-387.
- Schwartz, B. (2000). Self-determination: The tyranny of freedom. *American psychologist*, 55(1), 79.
- Sheldon, K. M., Elliot, A. J., Kim, Y., & Kasser, T. (2001). What is satisfying about satisfying events? Testing 10 candidate psychological needs. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 325-339.
- Shields, E. P. (2001). *The effect of religiosity and marital Commitment on marital satisfaction and stability*.
- Simanski, J. W., (1996). Long-term marriage conflict and longevity strategies over the life span: a qualitative study. *Retrospective Theses and Dissertations*. Paper 11489.
- Singapore Department of Statistics. (2003). Divorcing Couples: A Profile Analysis. *Subordinate Courts Research Bulletin*. No.31.
- Strong, B., & Cohen, T. (2013). *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*. Cengage Learning.
- Taylor, I. M., Ntoumanis, N., & Smith, B. (2009). The social context as a determinant of teacher motivational strategies in physical education. *Psychology of sport and exercise*, 10(2), 235-243.
- Uysal, A., Lin, H. L., Knee, C. R., & Bush, A. L. (2012). The association between self-concealment from one's partner and relationship well-being. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38, 39-51.
- Vanhee, G., Lemmens, G. M., Stas, L., Loeyts, T., & Verhofstadt, L. L. (2018). Why are couples fighting? A need frustration perspective on relationship conflict and dissatisfaction. *Journal of Family Therapy*, 40, S4-S23.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی